

# همشهری



جناب سسر هنگ در ابتدا درباره

اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران توضیح

بدهید و اینکه وظیفه شما و همکارانتان در این

اداره چیست؟

اداره هجدهم به‌صورت تخصصی وظیفه‌اش مبارزه باسرقت‌های خشن مانند کیف‌قایم، موبایل‌قایم و گردنبندقایم است. درواقع شناسایی و دستگیری سارقان حرفه‌ای که به‌صورت بانندی در این زمینه فعالیت می‌کنند در دستور کار این اداره است.
**از بین سرقت‌هایی که به آنها اشاره کردید، کدام‌یک بیشتر رخ می‌دهد؟**
بیشتر موبایل‌قایم است. کیف‌قایم تقریباًمنسوخ شده و گردنبندقایم هم کمتر رخ می‌دهد.
**اما سرقت‌های زیادی است که مثلاً مالباخته اقدام به خرید دلار یا سکه کرده و بعد هدف سارقان قرار گرفته و کیفیتش به سرقت رفته‌است؟**

این دیگر کیف‌قایم نیست؛ زورگیری است؛ چون سارق خشن برای گرفتن کیفی که حاوی دلار یا طلاست، سوارماش را با سلاح تهدید یا ضرب و شتم می‌کند و بعد کیفش را به سرقت می‌برد.
**درباره موبایل‌قایم صحبت کنید.**

ایسن روزها اغلب شاهد موبایل‌قایم‌هایی هستیم که معمولاً افراد کم‌سن و سال مر تکب می‌شوند. می‌توان گفت موبایل‌قایم جرم اول نوجوان‌هاست و روزانه بین ۸ تا ۱۰ پرونده بیه اداره ما ارسال می‌شود که پرونده‌های مهمی در این زمینه هستند؛ یعنی پرونده‌هایی هستند که شاکایان زیادی دارند و این سرقت‌ها به‌صورت بانندی رخ داده‌اند.

**با سارقان و موبایل‌قاب‌فعالیت می‌کنید؟**
شروع خدمت من از مجموعه پلیس آگاهی تهران بود. ۴سال مأمور گشت پلیس آگاهی تهران بودم که در این سال‌ها متهمان زیادی را دستگیر کردم. سپس در پایگاه سوم پلیس آگاهی که مبارزه با سرقت وسایل نقلیه است، کار کردم. یک سال هم در جرائم اقتصادی بودم که یکی از موفقیت‌هایم در آن اداره، دستگیری سلطان سکه است. مردی به نام وحید مظلومین که یکی از موفقیت‌های کاری‌ام در یک سالی که در حوزه مبارزه با سرقت و جمع‌آوری کرده بود. این فرد با اوایل سال ۹۷ پس از ناآرامی‌های به‌وجود آمده در بازار طلا و سکه، این مرد معادل ۲تن سکه را از طریق دلال‌های زیرمجموعه خود از سطح بازار خریداری و جمع‌آوری کرده بود. این فرد با جمع‌آوری گسترده سکه از بازار و کاهش دادن عرضه، به گرانی قیمت سکه‌ها من زده بود. گردش مالی او در آن سال به ۴هزار میلیارد تومان رسیده بود. من به‌صورت شبانه‌روزی روی این پرونده کار کردم تا اینکه او دستگیر و در نهایت اعدام شد. پس از آن به اداره ۱۸ پلیس آگاهی امد و الان ۲سال و ۲ماه‌ای است که ریاست این اداره را برعهده دارم.

اولین مجرمی را که دستگیر

کرده‌اید، یادتان هست؟

بله. در زمانی بود که مأمور گشت پلیس آگاهی بودم. نخستین متهمی که دستگیر کردم، یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بود. او تحت تعقیب پلیس یکی از شهرستان‌های غرب کشور بود. روزی که در حال گشتزنی بودم، چشم افتاد به‌خودروی سمندی که رانده‌اش رفتار مشکوکی داشت. افرادی که در گشت پلیس آگاهی هستند، یکسری ویژگی دارند. بسیاری از آنها چهره‌شناس‌های خوبی هستند؛ یعنی از روی چهره و رفتار یک فرد می‌توانند حدس بزنند که رنگی به کفش دارد یا نه، آن روز که به راننده سمند مشکوک شدم، مطمئن بودم که رنگی در کفکش دارد؛ برای همین به او دستور ایست دادم، اما توقف نکرد. به تعقیبش پرداختم، اما با سرعت حرکت می‌کرد و حتی خیابان‌های یک‌طرفه را خلاف جهت می‌رفت. حین فرار به چند خودرو هم آسیب رساند تا اینکه در نهایت بعد از ۲۰دقیقه تعقیب و گریز، اقدام به شلیک گلوله و لاستیک ماشینش را پنجر کردم. او ماشینش را به سیستم دودزا مجهز کرده بود؛ یعنی سیستمی طراحی کرده بود که هنگام فرار، با ریختن روغن روی لوله اگزوز ماشین که داغ بود، دود غلیظی تولید می‌شد. آن روز هرطوری که بود از تویل دودغلیظی که آن متهم به‌وجود آورده بود، عبور کردم و در نهایت موفق شدم ماشینش را متوقف و او را دستگیر کنم. در بازرسی از خودروی وی، مقدار زیادی موادمخدر کشف و بعدا معلوم شد که او یکی

از قاچاقچیان بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم، یک قاچاقچی بزرگ را دستگیر کرده‌ام. او تحت تعقیب پلیس یکی از شهرستان‌های غرب کشور بود. روزی که در حال گشتزنی بودم، چشم افتاد به‌خودروی سمندی که رانده‌اش رفتار مشکوکی داشت. افرادی که در گشت پلیس آگاهی هستند، یکسری ویژگی دارند. بسیاری از آنها چهره‌شناس‌های خوبی هستند؛ یعنی از روی چهره و رفتار یک فرد می‌توانند حدس بزنند که رنگی به کفش دارد یا نه، آن روز که به راننده سمند مشکوک شدم، مطمئن بودم که رنگی در کفکش دارد؛ برای همین به او دستور ایست دادم، اما توقف نکرد. به تعقیبش پرداختم، اما با سرعت حرکت می‌کرد و حتی خیابان‌های یک‌طرفه را خلاف جهت می‌رفت. حین فرار به چند خودرو هم آسیب رساند تا اینکه در نهایت بعد از ۲۰دقیقه تعقیب و گریز، اقدام به شلیک گلوله و لاستیک ماشینش را پنجر کردم. او ماشینش را به سیستم دودزا مجهز کرده بود؛ یعنی سیستمی طراحی کرده بود که هنگام فرار، با ریختن روغن روی لوله اگزوز ماشین که داغ بود، دود غلیظی تولید می‌شد. آن روز هرطوری که بود از تویل دودغلیظی که آن متهم به‌وجود آورده بود، عبور کردم و در نهایت موفق شدم ماشینش را متوقف و او را دستگیر کنم. در بازرسی از خودروی وی، مقدار زیادی موادمخدر کشف و بعدا معلوم شد که او یکی

از قاچاقچیان بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم، یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم، یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

## آمار جالب موبایل‌قایم در تهران

اغلب موبایل‌قایم‌ها به‌دست مجرمانی صورت می‌گیرد که به مواد مخدر اعتیاد دارند و بیشتر آنها هم کل مصرف می‌کنند.



موبایل‌قاب‌ها افرادی هستند که به‌خاطر تجربه هیجان دست به سرقت می‌زنند. البته موبایل‌قایم برای این افراد خیلی زود تبدیل به عادت می‌شود و آنها تبدیل به مجرمان سابقه‌دار می‌شوند.



موبایل‌قایم‌ها را مجرمانی انجام می‌دهند که برای نخستین بار مرتکب جرم می‌شوند. (انگیزه بیشتر این افراد تهیه مواد است.)



از قاچاقچیان بزرگ موادمخدر بوده و من در نخستین مأموریت دستگیری‌ای که داشتم،

یک قاچاقچی بزرگ را دستگیر کرده‌ام. او تحت تعقیب پلیس یکی از شهرها قرار داشت که از محل زندگی خود فرار کرده بود و تصور می‌کرد در تهران که شهر بزرگی است می‌تواند زندگی مخفیانه‌ای را در پیش بگیرد؛ غافل از اینکه خیلی زود دستگیر خواهد شد. این قاچاقچی پس از بازجویی‌های اولیه تحویل پلیس شهرستان مربوطه شد.

**جناب سسر هنگ، این روزها با خیلی‌ها روبه‌رو می‌شویم که به خودشان یا یکی از اطرافیانشان گرفتار موبایل‌قاب‌ها شده‌اند. شما با اعضای خانواده‌تان تا به حال در دام این سارقان گرفتار شده‌اید؟**

خوشبختانه نه. می‌دانید علتش چیست؟ من معمولاً نه‌تنها به اعضای خانواده‌ام که به دوستان، آشنایان و بستگانم همدار می‌لامم را می‌دهم. همیشه می‌گویم که در جاهای خلوت یا حتی شلوغ، گوشی موبایلشان را در دست نگیرند. حتی ملزمن‌های منم که از هندزفری استفاده کنند. اگر سوار ماشین می‌شوند، حتما شیشه‌ها را بالا بکشند و در ماشینشان را قفل کنند. شاید تکرار این توصیه‌ها، موجب شده که ما تا این لحظه در دام سارقان موبایل‌قاب گرفتار نشویم.

# سخت



گفت‌وگوی اختصاصی همشهری با رئیس اداره مبارزه با موبایل‌قایم پلیس آگاهی تهران

# سلطان سکه را من دستگیر کردم

در بین همه پرونده‌هایی که به

نتیجه رساندید، مهم‌ترین پرونده از نظر شما کدام پرونده بوده‌است؟

یکی از آنها پرونده سارقان جنجالی بزرگراه صدر بود که برای دستگیری‌شان چند شب نخوابیدم. ما در تعطیلات عید روی این پرونده کار کردیم و شبی که سارقان را دستگیر کردیم، با خیال راحت خوابیدم. دیگری هم ماجرای سرقت اتوبان نمایش فیلم این حادثه هم در زمان خودش بازتاب گسترده‌ای داشت و در فضای مجازی پربازدید شد. در فیلم حتما دیده‌اید که مردی با قمه به ندانستیم به جز فیلم منتشر شده. ۲روز تمام به اطراف محل سرقت می‌رفتیم؛ چون حدس می‌دیم که سارقان هنوز متوجه جنجالی شدن فیلم سرقت در شبکه‌های اجتماعی نشده‌اند و احتمال دارد که باز هم برای سرقت در آنجا آفتابی شوند. در روز دوم به ۲فرد مشکوک شدیم. هر دو از اتباع افغان بودند و چهره یکی از آنها همانی بود که در فیلم دیده می‌شد. شک

نداشتیم که سرقت توسط آنها صورت گرفته و در نهایت نیز آنها به این سرقت خشن اعتراف کردند.

**گاهی وقت‌ها موبایل‌قاب‌ها هنگام سرقت ممکن است مرتکب قتل مالباخته شوند. تلخ‌ترین پرونده اینچنینی که داشته‌اید کدام‌است؟**

حادثه‌ای بود که در سال ۸۹محله مجیدیه تهران رخ داد. ۳پسر نوجوان که مشروبات الکلی مصرف کرده بودند، چاقویی برمی‌دارند و برای موبایل‌قایم‌های خیابان می‌شوند. آنها در یکی از سرقت‌هایشان سراغ مردی میانسال می‌روند، اما وقتی با مقاومت او روبه‌رو می‌شوند با ضربه چاقووی را به قتل می‌رسانند. این حادثه یکی از تلخ‌ترین پرونده‌های موبایل‌قایم بود و ۳سارق که تبدیل به قاتل شده بودند، توسط مأموران اداره مبارزه باقتل دستگیر شدند.

پرونده تلخ دیگری هم بود که منجر به سقط جنین یک زن باردار شد. این خانم باردار در حال صحبت با موبایلش بود که سارقان خشن به سمت وی هجوم بردند. آنها سوار بر موتور بودند و گوشی این زن را قاپیدند. او از شدت ترس و اضطراب از حال رفت و جنینش سقط شد.

**موبایل‌قاب‌ها بیشتر چه انگیزه‌هایی دارند؟**
انگیزه مالی، اما متهمانی هم داشته‌ام که پدر و مادر دکتر، تاجر، مهندس و... داشته‌اند. آنها هیچ مشکل مالی نداشتند و صرفاًبرای تجربه هیجان، موبایل‌قایم می‌کردند. انهایی هم که انگیزه مالی دارند، بیشتر متاد هستند و به‌خاطر تهیه پول مواد، دست به سرقت می‌زنند.

در جریان این سال‌ها خاطره شوش

هم داشته‌اید؟

آمورد است که همیشه در ذهنم باقی خواهد ماند؛ مورد اول بانندی بود که در زمینه موبایل‌قایم فعالیت داشت که دستگیرشان کردیم. در بازرسی از خانه آنها بیش از یک کیلو طلا کشف شد. فکر می‌کنید از کجا کشف کردم؟ داخل کانال کولر. سپس به‌بازجویی او متهمان پرداختم که مشخص شد یک سال قبل طلاهای یک طلافروش کیفی را که از اصفهان به تهران آمده بود، سرقت کرده بودند. وقتی به مالباخته زنگ زد، از شدت شوشجالی به گریه افتاد. باورش نمی‌شد که سارقان دستگیر شده‌اند. دیگر نامید شده بود و تا چند دقیقه پشت تلفن برای من عامی‌کرد. مورد دیگر هم نصحیت من به یک سارق کیف‌قاپ بود که کارساز شد. او ۱۰سال قبل به جرم کیف‌قایم دستگیر شده بود. پدر نداشت و من دلم خیلی به حالش سوخت؛ چون به‌خاطر تأمین هزینه داروی مادرش مرتکب سرقت شده بود. با او ساعت‌ها صحبت کردم و از او خواستم دور سرقت را خط بکشد. گفتم می‌تواند در زندان حرفه‌ای یاد بگیرد و وقتی آزاد شد، زندگی‌اش را تغییر دهد. او در زندان سیم‌کشی یاد گرفت. در مدتی که زندان بود، مدام به من زنگ می‌زد. پس از آزادی سراغ حرفه خود رفت. حالا یک مغازه در اطراف تهران خریده و کارش به‌شدت رونق یافته‌است.

**خاطره تلخ چطور؟**
یک روز قرار بود سارقی را دستگیر کنیم، اما او پیش از رسیدن ما خودش کوشی کرد و به

زندگی‌اش پایان داد. تازه سرقت را شروع کرده بود و وقتی متوجه شد لو رفته است، از خجالت و ترس آبرویش به زندگی‌اش پایان داد. وقتی رسیدیم، مادرش ضجه می‌زد و این صحنه در دناک هنوز در ذهن من است.

**اخیرا اعلام شده که آمار سرقت از ابتدای امسال نسبت به سال قبل کاهش یافته است. این آمار در زمینه موبایل‌قایم، کیف‌قایم و گردنبندقایم چگونه است؟**

در اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل خوشبختانه با ۳۰درصد کاهش روبه‌رو بودیم. **دلایل این کاهش چه بوده‌است؟**
یکی از آنها دستگیری مالخران در سال گذشته بود. ما قریب به ۱۲۰ مالخر را دستگیر کردیم. خیلی از آنها اتباع خارجی هستند که گوشی‌های سرقتی را از سارقان می‌خریدند و از کشور خارج می‌کردند. اگر مالخری نباشد، سارق سرگردان می‌ماند که با اموال مسروقه چه کند. دلیل دیگر نیز استفاده از پابندهای الکترونیکی بود. مجرم سابقه‌داری که پابند دارد، ترسش جرأت نمی‌کند سمت خلاف ببرد؛ چون می‌داند که تحت کنترل و رصد پلیس است؛ البته افزایش آگاهی مردم از طریق رسانه‌ها هم در کاهش آمار سرقت نقش داشته است.

خبر کوتاه



فوتسالیست جوان

پدر و مادر فوتسالیست مشهدی که دچار مرگ اعضای بدن او به بیماران نیازمند موافقت کردند. این فوتسالیست جوان که علی اسعدی نام داشت و فصل گذشته با تیم سن‌ایچ ساوه در لیگ برتر فوتسال حضور داشت، هنگام استراحت در منزل دچار مشکل قلبی و در نهایت مرگ مغزی شد و خانواده‌او با اهدای اعضای بدنش به بیماران موافقت کردند.



آتش‌نشانی

## ۵۰ مصدوم در آتش‌سوزی کارخانه لاستیک‌سازی

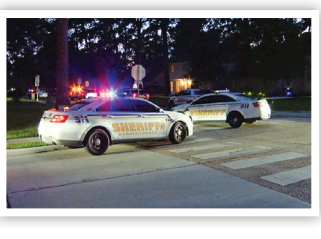
آتش‌سوزی در یک کارخانه تولید لاستیک در غرب استان تهران، خسارت سنگینی برجا گذاشت و موجب مصدومیت دست کم ۵۰ نفر شد. به‌گزارش همشهری، این حادثه ظهر دیروز (دوشنبه) در کارخانه‌ای در جاده شهریار، در حوالی سعیدآباد اتفاق افتاد. آتش‌سوزی از یکی از انبارهای کارخانه آغاز شده و به سرعت در حال گسترش بود. سوختن لاستیک‌ها در آتش، دود غلیظی ایجاد کرده و این دود از دور مشخص بود. هرچند تعدادی از کارگران کارخانه تلاش کردند تا شعله‌های آتش را خاموش کنند، اما وسعت حادثه بیشتر از آن بود که کاری از آنها ساخته باشد. در این شرایط بود که حادثه به آتش‌نشانی اورژانس گزارش شد. دقایق کوتاهی از حادثه گذشته بود که گروه‌های امدادی خود را به محل حادثه رساندند. سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران درباره این حادثه گفت: این حادثه ساعت ۱۲:۵۱ اعلام شد و با وجود اینکه محل حادثه خارج از حوزه استحفاظی شهرداری تهران بود، اما آتش‌نشنان ۱۲ ایستگاه راهی محل حادثه شدند.

او ادامه داد: حدود ۳۰۰متر از انبار کارخانه دچار آتش‌سوزی شده بود و با توجه به اینکه لاستیک بسیار قابل اشتعال است، آتش به سرعت در حال سرایت به سایر نقاط بود که آتش‌نشنان به همراه عوامل آتش‌نشانی سعیدآباد اقدامات لازم را برای کنترل حریق و خاموش کردن آن انجام دادند. حدود ۲ساعت بعد عملیات به پایان رسید. این حادثه در شرایطی اتفاق افتاد که حدود ۵۰نفر نیز دچار سوختگی و مصدومیت شدند. محمداسماعیل توکلی، رئیس مرکز اورژانس استان تهران در این باره گفت: با اعلام وقوع این حادثه ۱۰ آمبولانس و ۲ اتوبوس آمبولانس به محل حادثه اعزام شدند و اورژانس هوایی و بیمارستان‌های علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی نیز به حالت آماده‌باش در آمدند. او ادامه داد: در این حادثه ۵۰ نفر دچار مصدومیت و سوختگی سطحی شده بودند که ۳۲نفر از آنها به مراکز درمانی منتقل شدند و سایرین در محل درمان شدند. به گفته توکلی، سوختگی اکثر مصدومان سطحی است و حال عمومی آنها مساعد گزارش شده است.

مساعد گزارش شده است.

آن سوی مرز

## دستگیری پسر ۱۱ساله با کوله‌باری از شرارت



پسر ۱۱ساله مراکیبی به اتهام جرائم مختلفی از جمله سرقت خودرو، تیراندازی و سنگ‌پرانی، توسط پلیس نیومکزیکو دستگیر شد. به گزارش همشهری به نقل از میرر، ۱۵می‌امسال، پلیس نیومکزیکو در جریان سرقت یک خودرو در شمال شرق شهر قرار گرفت که توسط یک اسپرینچ ۱۱ساله رخ داده بود.

پلیس به دلیل اینکه خودرو یک ساعت بعد پیدا شد و سن سارق کم بود، با دادن تذکر به این سارق خردسال او را آزاد کرد اما یک هفته بعد، در ۱۲می، زن جوانی با تماس به پلیس گفت که پسری با پرتاب سنگ به خانه‌اش باعث شکستن شیشه و جراحات شدید او از ناحیه پا شده است. همان روز پسر نوجوانی با پلیس تماس گرفت و گفت که چند نفر از اعضای یک باند خلافکار کم‌سن و سال که یک پسر بچه ۱۱ساله نیز همراهشان بوده با پرتاب سنگ شیشه‌های خانه را شکسته و آنها را زخمی کرده‌اند.

پلیس تحقیقات خود را برای بررسی این شکایات آغاز کرد، اما تماس و شکایت از اقدامات خشنونت‌آمیز این پسر ادامه داشت. در اقدام

بعدی به پلیس خبر رسید که پسر ۱۱ساله‌ای سوار بر یک خودرو، به‌صورت دنده عقب وارد یک فروشگاه شده و خسارت ۱۵هزار دلاری به بار آورده و از صحنه گریخته است.

۲پسر بچه در حال بازی فوتسال بودند که گفت که یک پسر ۱۱ساله با اسلحه کمری به او شلیک کرده و پایش را هدف گلوله قرار داده است. با این اطلاعات پلیس تحقیقات خود را برای پیدا شدنند که درگیری آنها با جنایت خاتمه یافت. به

این پسر که نامش به‌دلیل سنش ذکر نشده است، همانی بود که پس سرقت خودرو، با تذکر پلیس آزاد شده بود. او حالا با اتهامات ضرب و شتم شدید، تیراندازی، سنگ‌پرانی به داخل خانه مسکونی، نگهداری سلاح غیرقانونی، دردی، آسیب ۱۵هزار دلاری به اموال و طراحی و برنامه‌ریزی برای ارتکاب جنایت درجه چهارم مواجه است. به گفته پلیس نیومکزیکو، بررسی در مورد پرونده این پسر بچه شروع کرده است.